

# برگزیدگان قرآنی در کلام امام رضا (ع)

حسن پویا

چکیده

تفسیر آیات قرآن از کلام معصومین (ع)، که به عنوان تفسیر مأثور شهرت یافته است، از شیرینی و لطافتی خاص برخوردار است. گرچه ما درباره همه آیات قرآن کریم از بیان ائمه معصومین (ع) محروم هستیم ولی هر جا که سخنی درباره آیه و یا آیاتی بیان کرده و یا به آیاتی استناد جسته اند، دلنشین و آرامش بخش است و سزاوار تأمل فراوان. اینک که فصلنامه قرآنی بینات ویژه نامه ای درباره شخصیت قرآنی ثامن الأئمة علی بن موسی الرضا (ع) و هر آنچه درباره قرآن در سخنان این امام بزرگوار وجود دارد، اختصاص داده است، روایتی انتخاب شده است که ظاهرأ در بار مأمون با حضور عالمانی از خطه عراق و خراسان، آیه ای درباره «برگزیده گان» مطرح شده و امام رضا (ع) به پاسخ گویی و احتجاج پرداخته است. در این روایت از مستندات فراوان قرآنی بهره برده شده، که تقدیم خوانندگان گرامی می گردد. کلید واژه ها: امام رضا (ع)، اصطفاء، قرآن، آل، امت و أهل بیت پیامبر (ص).

## مقدمه

واژه «اصطفی» و برخی مشتقات آن در بیش از ده آیه قرآنی به کار رفته است. غالب این آیات درباره پیامبران الهی علیهم صلوات الله می باشد مانند آیه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳/۳۳)؛ «به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزیده و برتری داده است». در برخی آیات هم به صورت مطلق آمده، مانند آیه: «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ» (النمل، ۲۷/۵۹)؛ «بگو سپاس از برای خداوند است و سلام و درود بر بندگان برگزیده او می باشد. آیا خدا بهتر است یا آنچه آن را شریک خدا می دانند؟».

بررسی همه این آیات نیازمند شرح و تفسیر فراوان است که عموماً مفسران بزرگوار به آن پرداخته اند، و در هر مناسبتی و به تناسب موضوع بحث، تفاسیر مختلفی بیان داشته اند. لکن مأمون در فرصتی مناسب که علمای دیگری هم حضور داشتند از آیه ۳۲ سوره فاطر، درباره برگزیدگان سؤال می کند و علمای حاضر را به بحث و مجادله با امام رضا (ع) فرا می خواند. نقل این روایت - که در تحف العقول/۴۲۵ - ۴۳۶ آمده است - همراه با توضیحات مختصری، سزاوار تأمل و تفکر می باشد.

## شرح و تبیین روایت امام رضا (ع)

آنچه در کلام امام رضا (ع) آمده، آنگاه است که در مجلس مأمون جمعی از علمای اهل عراق و خراسان گرد آمده بودند، و مأمون بحثی از آیه ۳۲ سوره مبارکه فاطر، در میان نهاد و از آنان معنای این آیه را خواست: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»؛ «سپس ما این کتاب را به کسانی از بندگانمان که آنها برگزیدگان هستند، به میراث واگذار کردیم». عالمان در جواب مأمون گفتند: مراد خداوند از برگزیدگان کل امت پیامبر (ص) هستند. مأمون در این هنگام به امام رضا (ع) رو کرد و گفت: ما تقول يا أبا الحسن؟؛ یا أبا الحسن شما چه می گویی؟

حضرت فرمود: «من آن گونه که آنها گفتند نمی گویم. بلکه می گویم: خداوند از این برگزیدگان، عترت پاک را اراده کرده است».

مأمون به سؤال خود ادامه داد که به چه دلیل و چگونه عترت را اراده کرد و نه امت را؟ حضرت فرمود: «اگر منظور امت بود که باید همه امت در بهشت جای گیرند، زیرا خداوند در ادامه می فرماید: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهَ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر، ۳۵/۳۲)؛ «برخی از بندگان ستمکار خویشند و برخی میانه رو و برخی از آنان سبقت گیرنده به خیرات می باشند، این همان فضل بزرگ الهی است». و خداوند سپس فرمود: «جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا» (فاطر، ۳۵/۳۳) امام رضا (ع) از جمع این دو آیه این گونه نتیجه می گیرند و به صورت سؤال می فرمایند: «یعنی: همه آنان در بهشت قرار می گیرند؟ در حالی که خود آیه تصریح دارد که برخی ظالمند و برخی میانه رو و برخی از آنان در کارهای خیر پیشگامند، پس وراثت از آن عترت پاک پیامبر (ص) است نه برای دیگران».

آنگاه امام رضا (ع) برای این که مدعای خویش را به خوبی بیان و مستدل کند، فرمود: «آری اینان هستند که خداوند در کتابش آنها را توصیف می کند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب، ۳۳/۳۳) و نیز اینان هستند که پیامبر خدا (ص) درباره آنان فرمود: «من در میان شما دو شیء گرانسنگ می گذارم: کتاب خدا و عترت من، اهل بیتم. بنگرید که چگونه از این میراث ارزشمند پاس می دارید. ای مردم آنان از شما عالم تر و داناترند و نیاز به آموزش شما ندارند».

در این هنگام صدای علمای حاضر بلند شد که یا أبا الحسن به ما خبر بده که آنان «آل» هستند یا «عترت» غیر از «آل» است؟ حضرت رضا (ع) فرمود: «آنان همان «آل» هستند».

آنگاه عالمان به احتجاج برخاستند که مگر پیامبر (ص) فرمود: «امتی آلی»؛ و صحابه فراوانی نقل کردند: آل محمد ائمه؟!

امام رضا (ع) سخن به احتجاج با آنان گشود و فرمود: «آیا صدقه بر آل محمد [ع] حرام نیست؟» گفتند: آری حرام است. فرمود: «آیا بر امت محمد [ص] هم صدقه حرام است؟» گفتند: خیر.

آنگاه فرمود: «آری»؛ اینست فرق بین «آل» و «امت»!

حضرت رضا (ع) سپس از این استدلال، برای بیداری آنان از اشتباه و غفلتی که مرتکب

شده بودند فرمود: «وای بر شما کجا رفتید؟ آیا از حقایق قرآن چشم می پوشید و یا به بیراهه می روید؟ نمی بینید که از ظاهر کلام پیامبر [ص] پیداست که این روایت درباره برگزیدگان هدایت یافته است نه دیگران».

مجدداً گفتند: از کجا چنین ادعا می کنی یا اباالحسن؟

امام رضا (ع) سخن به بیان استنادات قرآنی گشود و فرمود: «از کلام خداوند متعال که فرمود: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (الحديد، ۵۷/۲۶)؛ «نوح و ابراهیم را هر آینه به رسالت فرستادیم و در فرزندان آن دو، نبوت و کتاب قرار دادیم، آنگاه بعضی از آنان ره یافتند و برخی فاسق شدند».

سپس نتیجه می گیرد که بنابر این نبوت و کتاب آسمانی در ره یافتگان نهاده شده نه در فاسقان.

«آیا شما نمی دانید که نوح از خداوند درخواست کرد: «رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنِّي وَعْدُكَ الْحَقُّ» (هود، ۴۵/۱۱)؛ «پروردگارا! پسر من از اهل و خانواده من است [تو به حق وعده دادی که من و اهل مرا نجات دهی] و وعده تو حق است».

خداوند تبارک و تعالی به او خطاب کرد: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ...» (هود، ۴۶/۱۱)؛ «او از خانواده تو نیست زیرا او را عملی بسیار ناشایست است». پس از من مخواه چیزی را که به آن آگاهی نداری، من تو را پند می دهم که از نادانان نباشی».

آنگاه مأمون خود به سخن درآمد و گفت: یا اباالحسن آیا خداوند در کتاب خودش عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ امام رضا (ع) فرمود: «آری». مأمون گفت: در کجای کتاب خدا چنین سخنی آمده است؟ در اینجا امام رضا (ع) به آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران استناد می نماید، زیرا فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ \* ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۳۳/۳ و ۳۴)؛ «خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. اینان برخی از برخی دیگرند». و نیز به آیات ۵۴ و ۵۹ سوره نساء استناد می کند که فرموده است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۴/۵۴)؛ «مگر به خاطر آنچه خداوند به برخی از بندگان از سر لطف بخشیده است، حسد می برند؟ ما به خاندان ابراهیم کتاب آسمانی و نبوت و فرمانروایی ملک عظیم بخشیده ایم».

آنگاه خداوند روی سخن به سایر مؤمنان فرموده و می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء، ۵۹/۴)؛ «ای مؤمنان از خدا و رسول و صاحبان امر فرمان برید».

امام (ع) در تفسیر این آیات می فرماید: «یعنی: همان کسانی که کتاب و حکمت داده شدند و دیگران به جهت این دو موهبت الهی به آنها، حسادت ورزیدند. منظور اینست که حق فرمانبرداری از برگزیدگان پاک و مطهر است و منظور از ملک در اینجا فرمانروایی آن و اطاعت از آنان است».

وقتی این بیان شیوا و تفسیر محکم و مستدل امام رضا (ع) به اینجا رسید، عالمان حاضر در جلسه رشته سخن را به دست گرفتند و سؤالی دیگر مطرح کردند.

آیا خداوند متعال در کتابش از این برگزیدگان سخنی به تفسیر و تفصیل گفته است؟ قال الرضا (ع): «فسر الإصطفاء في الظاهر سوى الباطن في اثني عشر موضعاً؛ آری از باطن آیات و تفسیر باطنی آنها که بگذریم، در ۱۲ جا به صراحت خداوند، برگزیدگی و برگزیدگان را معرفی کرده است».

۱. «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء، ۲۶/۲۱۴)؛ «و خاندان و خویشانت را هشدار ده».  
«و این جایگاهی بلند مرتبه و فضیلتی سترگ و شرافتی والا است برای خاندان پیامبر (ص)، زیرا آغاز رسالت پیامبر از خاندان و آل ایشان است».

۲. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الأحزاب، ۳۳/۳۳)  
امام (ع) درباره این آیه فرمود: «و این برتری و فضیلتی است که هیچ مخالفی آن را انکار نکرده است، زیرا فضیلتی آشکار و روشن است».

ظاهراً امام رضا (ع)، این آیه را که کلمه «أَهْلَ الْبَيْتِ» در آن آمده و مورد توافق همگان بوده است، چنان ظاهر و بدیهی می داند که نیازمند شرح و بیان نمی شمارد.

۳. آیه سوم «هنگامی است که خداوند پاکان و مطهران از خلقش را از میان سایرین جدا می کند و آنان را در آیه مباهله امتیاز شاخصی می بخشد و به پیامبرش امر می کند: یا محمد: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَلْهُمْ فَتَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱/۳)».

«پس پیامبر (ص)، علی، حسن، حسین و فاطمه (ع) را برفراز آورد و ایشان را همتای

خود ساخت». امام رضا (ع) سؤال کرد آیا می دانید معنای گفته قرآن که فرمود: «أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»؛ «خود ما و خودتان» چیست؟ عالمان گفتند: مرادش خودش بوده است. امام رضا (ع) فرمود: «اشتباه کردید. قطعاً مقصود حضرت، علی (ع) است؛ و یکی از دلایلیش هم گفته پیامبر (ص) است، آنگاه که فرمود: بنو ولیعه باید دست از شرارت بردارند و گرنه مردی را بر سر آنان می فرستم که چون خود من باشد، یعنی: علی (ع) را می فرستم».

آنگاه فرمود: «این خصوصیتی ممتاز است که هیچ کسی بر آن پیشی نگرفته است و فضیلتی منحصر به فرد است که هیچ بشری بدان راه نیافته و شرافتی است که هیچ آفریده ای در آن سبقت نجسته است، زیرا جان علی را همچون جان خویش قرار داده است».

۴. اما چهارم «آنست که همه مردم را از مسجد خود بیرون کرد جز خاندان و عترتش را؛ و چون مردم در این باره سخن گفتند، و عباس عموی پیامبر نیز با آنان هم سخن شد که یا رسول الله، علی را در مسجد نهادی و ما را بیرون کردی؟

پیامبر (ص) فرمود: نه من او را گذاشته و نه من شما را بیرون کردم، بلکه خدای من او را چنین جایگاه بخشید و با دیگران چنین نکرد. و این تفسیر کلام خداوند درباره علی (ع) است: أنت منی بمنزلة هارون من موسى؛ موقعیت تو نزد من همچون جایگاه هارون در نزد موسی است».

پس از این سخن امام رضا (ع)، علمای حاضر گفتند: این جمله از کجای قرآن به دست می آید؟ امام رضا (ع) فرمود: «در این باره برای شما آیه ای از قرآن آورده و بر شما می خوانم». گفتند: بیاور. فرمود: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً...» (یونس، ۱۰/ ۸۷)؛ «به موسی و برادرش هارون وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه هایی مهیا سازید و خانه های خود را مقابل هم قرار دهید».

امام فرمود: «این آیه بیانگر جایگاه و منزلت هارون نسبت به موسی است و نیز نشانگر جایگاه علی (ع) نسبت به پیامبر اسلام (ص) می باشد. علاوه بر آن دلیلی روشن و آشکار در این سخن پیامبر (ص) است، آنگاه که فرمود: «ان هذا المسجد لا يحل لجنب و لا لحائض إلا لمحمد و آل محمد (ص)؛ این مسجد [عبور از آن] برای هیچ جنب و حائضی حلال نیست مگر برای محمد و آل محمد (ص)».

در این هنگامه ظاهراً سخن علما بالا گرفت، زیرا لحن آنان متفاوت شد و در



واقع به صورت خطاب شخصی و موضع گیری فردی به امام رضا (ع) گفتند: این تفسیر و شرح از شماست در حالی که نزد غیر اهل بیت (ع) یافت نمی شود.

در واقع با این گونه تعبیر و برخورد شاید دو هدف را دنبال می کردند؛ یکی این که ما اعتقادی به سخن شما نداریم. و دیگر این که اینها تفسیر شخصی و مطابق سلیقه شما است که دیگران نمی پذیرند و شما به نفع خودتان کلام خدا را تبیین می کنید.

زیرا در این هنگام امام رضا (ع) فرمود: چه کسی منکر این فضیلت ماست، در حالی که رسول خدا (ص) فرمود: «من شهر دانشم و علی باب آن است؛ پس هر کس قصد شهر را کند باید از درب آن وارد شود، - تا به علوم حقیقی و حقیقت علوم دست یابد -. بنابراین آنچه درباره فضل و شرف و تقدّم و برگزیدگی و پاکی، شرح و توضیح دادم؛ هیچ کس جز معاندان و دشمنان منکر آن نیستند. و من خداوند عزیز و بلند مرتبه را بر این منزلت و جایگاه سپاس گذارم».

۵. «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (الاسراء، ۱۷/۲۶)؛ «[ای رسول ما] و حق خویشاوندان را بپرداز».

امام رضا (ع) می فرماید: «در این آیه خصوصیتی است که خداوند عزیز و جبار اختصاص به اینان داده است، و از میان امت برگزیده است. آنگاه که این آیه بر پیامبر (ص) نازل شد، فرمود: فاطمه را به نزد من فراخوانید. چون فاطمه فرا خوانده شد به او فرمود: ای فاطمه! قالت: لیبیک یا رسول الله؛ فاطمه گفت: در خدمتم یا رسول الله. آنگاه فرمود: هر آینه فدک از جمله غنائمی است که بی جنگ و نبرد به دست آمده است، و به حکم خداوند برای من است نه مسلمانان، و من بدین جهت آن را به تو بخشیدم. پس آن را برای خود و فرزندان بگیر. فهذه الخامسة؛ این هم استناد پنجم».

۶. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (الشوری، ۲۳/۴۲)؛ حضرت رضا (ع) در ذیل این آیه می فرماید: «این خصوصیتی است که ویژه پیامبر اسلام است نه سایر انبیا؛ و مختصّ آل است نه دیگران». سپس امام (ع) به تفصیل درباره این آیه و سایر آیات مشابه ای که در این باره سخن گفته است، به شرح و تفسیر می پردازد و نکاتی را یادآور می شود. ابتدا دو آیه دیگر را که درباره نوح و هود است، مستند کلام خود قرار می دهد، زیرا آیه ۲۳ سوره شوری را مختص آل پیامبر دانسته است و می فرماید: «در این دو مورد لحن

آیات متفاوت است و خداوند در ضمن بیان حکایت پیامبران از زبان نوح نبی فرموده است: «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ الَّذِينَ آمَنُوا إِنْهُمْ مُلَاثِقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود، ۱۱/۲۹)؛ «ای قوم من، در برابر انجام رسالت من از شما مزدی نمی‌خواهم و اجر و پاداش من جز بر خدای من نیست، و کسانی که ایمان آورده اند از خود طرد نمی‌کنم، زیرا آنان دیدار کننده پروردگار خویشند [و ایمان به معاد دارند]؛ و لکن شما را گروهی نابخرد و نادان می‌بینم». سپس از زبان هود پیامبر (ع) نقل می‌کند، که فرمود: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (هود، ۱۱/۵۱)؛ «از شما مزدی بر رسالت خود نمی‌خواهم، مزد و پاداش من تنها با کسی است که من را آفریده است، آیا خرد و اندیشه را بکار نمی‌بندید».

این همه در حالی است که خداوند به رسول خدا (ص) می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ «بگو بر انجام رسالت من هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی درباره خویشاوندانم». آری خداوند دوستی با ایشان را واجب نکرد جز این که می‌دانست اینان هرگز از دین خدا بر نمی‌گردند و به گمراهی باز نخواهند گشت».

ملاحظه می‌کنیم که در این آیه جمله «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» آمده، در حالی که درباره حضرت نوح و هود چنین جمله ای به کار نرفته است. نکته دیگر اینست که انسان ممکن است شخصی را دوست بدارد ولی فردی از خانواده او را دشمن بدارد، در نتیجه دل آن فرد در دوستی سالم نخواهد ماند. از این رو خداوند خواسته است دل پیامبر (ص) نسبت به مؤمنان هیچ نگرانی و کدورتی نداشته باشد. به همین جهت دوستی خویشان پیامبر را واجب کرد. در نتیجه کسانی که به این امر عمل می‌کنند و رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) را دوست بدارند، امکان ندارد که پیامبر (ص) او را دشمن بدارد. و هر کس این محبت را ترک کند و با اهل بیت پیامبر (ع) دشمنی ورزد، در این حال، بر پیامبر است که با او دشمن باشد زیرا او واجبی از واجبات الهی را ترک کرده است. در حالی که هیچ فضیلت و شرافتی بر دوستی پیامبر و اهل بیت تقدم ندارد».

امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع)؛ سپس به شأن نزول آیه مودت و سخنرانی پیامبر خدا (ص)، بعد از نزول این آیه می‌پردازد و می‌فرماید:

«آنگاه که این آیه بر رسول خدا (ص) نازل شد، پیامبر در میان اصحاب پیاخواست و



پس از حمد و ستایش خداوندی فرمود: ای مردم؛ خداوند بر شما واجبی را فرض کرده است، آیا شما آن را انجام می دهید؟ هیچ کس پاسخی ندارد. سپس روز دیگر برای دومین بار آمد و سخنش را تکرار کرد. باز هم کسی جوابی نداد. روز سوم به میان مردم آمد و سخن دو روز گذشته را تکرار کرد. باز هم کسی پاسخی نداد. در این هنگام فریاد برآورد: ای مردم آنچه واجب کرده است طلا و نقره [زر و سیم] نیست، خوردنی و نوشیدنی نیست! گفتند: اکنون بگو چیست؟ رسول خدا (ص) همان آیه را بر آنان تلاوت کرد. گفتند: اگر اینست، بسیار خوب. اما [افسوس] که بیشتر آنان بدان عمل نکردند». در ادامه بیان شأن نزول آیه، امام رضا (ع) به قصه دیگری در زمان نزول آیه اشاره می کند.

قبل از بیان این فراز از سخنان امام (ع) تأمل بر این نکته ضروری است که توجه ائمه (ع) در برخی امور در جهت تأکید بر سخنان خودشان و نقل آن سخنان از آباء و اجداد طاهری نشان نکته ای است قابل توجه، که گاه آن را به رسول خدا (ص) هم می رسانند. شاید علاوه بر تأکید و تأیید سخنانشان، مهم یاد کرد آنان و نسبت خودشان به آنها باشد. از این رو امام رضا (ع) در اینجا چنین می فرماید:

«حدیثی آبی، عن جدی، عن آبائه، عن الحسین بن علی (ع)...؛ پدرم از جدّم و از پدرانش از زبان حسین بن علی (ع) نقل کرده است: مهاجران و انصار نزد پیامبر اجتماع کرده بودند و گفتند: ای رسول خدا بی گمان شما در مخارج زندگی و در پذیرایی از میهمانان که به خدمت شما می رسند، مستلزم هزینه و مخارجی می شوید. اموال ما همراه با جان و وجود ما، همه در خدمت شما هستیم. هر دستوری که بفرمایید، قطعاً بر خیر و اجر می باشد. از آنچه ما داریم هر چه می خواهی ببخش و هزینه فرما و هر آنچه خواستی نگه دار؛ از جانب ما هیچ مشکلی نخواهد بود.

در این هنگام جبرئیل امین بر پیامبر نازل گشت فقال: یا محمد «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی: پس از من خویشانم را آزار مدهید. آنان از نزد پیامبر خارج شدند، در حالی که برخی از آنان می گفتند: مسأله ای که پیامبر (ص) را به ردّ پیشنهاد ما واداشت، جز این نبود که ما را به رعایت حال خویشانش وادار سازد. این آیه جز حرف تازه و خود ساخته پیامبر (ص)، چیز دیگری نبود. [در حالی که] این گستاخی بزرگی از آنان

بود. از این رو این آیه نازل شد:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءَ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (الشوری، ۲۴/۴۲)؛ «بلکه [مردم نادان] خواهند گفت: او [محمد (ص)] بر خدا دروغ بسته [که محبت اهل بیت را بر امت واجب کرده] اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می نهد و به کلمات [وحی] خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار می گرداند، که خدا به اسرار دلهای خلق کاملاً آگاه است».

پس از نزول این آیه پیامبر (ص) آنان را احضار کرد و فرمود: آیا چیز جدیدی اتفاق افتاده یا نه؟ گفتند: آری قسم به خدا. ای رسول خدا! گروهی از ما سخنی ناصواب و ناشایست گفتند که ما تمایلی به آن سخنان نداریم.

اینک وقت تلاوت آیه بود که رسول خدا (ص) چنین کرد و آنان بشدت گریستند و از کرده خود پشیمان گشتند. خداوند توبه پذیر وقتی این حالت آنان را دید، این آیه را نازل کرد: «وَهُوَ الَّذِي يُبْتَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (الشوری، ۴۲/۲۵)؛ اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از کردارهای بد آنان در می گذرد و هر آنچه انجام می دهید، می داند». فروغ مهربانی و عطوفت الهی بر جان آنان می نشیند زیرا اوست که بخشنده و توبه پذیر است». اینهم ششمین دلیل امام رضا (ع).

۷. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (الأحزاب، ۵۶/۳۳)؛ «هر آینه خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند. ای اهل ایمان شما هم بر او درود و سلام بفرستید، سلامی درخور و شایسته».

اما استناد هفتم امام رضا (ع) به آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب این گونه است که می فرماید: «حتی معاندان هم از این مطلب آگاهی دارند که چون این آیه نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا ما چگونه سلام بر تو را دانستیم. اما صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ حضرت این گونه تعلیم دادند: «اللهم صل على محمد و آل محمد كما صليت على إبراهيم و آل إبراهيم انك حميد و مجيد».

امام رضا (ع) در این هنگام فرمودند: «آیا میان شما مردم در این موضوع اختلافی هست؟» گفتند: خیر. مأمون گفت: در این مطلب اصلاً اختلافی وجود ندارد، بلکه مورد اتفاق و اجماع است. اما آیا از این آیه واضح تر و روشن تر هم در قرآن درباره «آل» داریم.

امام رضا (ع) نکته ای را به صورت سؤالی مطرح کردند: «أخبروني عن قول الله: «يس\* وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ\* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ\* عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یاسین، ۳۶/۱-۳)؛ به من بگوئید خداوند از این آیات چه کسی را اراده کرده است؟». علما گفتند: بی هیچ شکّی «یاسین» محمّد است. حضرت فرمود: «خداوند بزرگ چنان فضیلتی از این جهت به محمّد و آل محمّد بخشیده که هیچ کس به کنه و ذات آن با تفکر و اندیشه عادی نمی رسد، زیرا خداوند جز پیامبران، بر هیچ کس سلام نفرستاده است و فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (الصافات، ۳۷/۷۹)؛ «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (الصافات، ۳۷/۱۰۹)؛ «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ» (الصافات، ۳۷/۱۲۰) و هیچ کجا نفرموده سلام بر آل نوح، آل ابراهیم، آل موسی و هارون، در حالی که خداوند عزیز و جلیل فرمود: «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (الصافات، ۳۷/۱۳۰) یعنی: آل محمّد. یعنی این اختصاص به پیامبر اسلام دارد.

ظاهراً مأمون که از این بیانات حضرت رضا (ع) به شغف آمده بود، گفت: براستی و حقیقت دریافتم که شرح و بیان این مطالب، تنها نزد معدن نبوت است.

۸. قول خداوند جلیل و عزیز: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ» (الانفال، ۸/۴۱)؛ «بدانید هر چه از اموال به غنیمت بردید، پس مسلم است که یک پنجم آن، از آن خدا و از آن فرستاده او و از آن خویشاوند رسول خدا و یتیمان و مسکینان و... است». «خداوند در این آیه سهم خویشان رسول خدا را قرین سهم خود و سهم پیامبرش قرار داده است؛ و این وجه تمایز بین آل و امت است. زیرا آنان را در مکانی جای داده و بقیه مردم را در مکانی دیگر و علاوه بر آن آنچه برای خود پسندیده است برای آنان پسندیده است و بدین گونه آنان را برگزیده و انتخاب کرده است. از خود آغاز کرده و سپس پیامبر و بعد خویشان پیامبر را آورده است».

علی بن موسی (ع) سپس به نکات دیگری درباره آیه می پردازند و تفاوت سهم ذی القربی و یتیمان و مساکین را بیان می دارند.

اول؛ این که سهم ذی القربی ابدی است و به نیازمندی آنان بستگی ندارد، برخلاف یتیمان و مساکین که تا زمانی که نیاز دارند، سهمی به آنها تعلق می گیرد و آن گاه که بی نیاز شدند و یتیمی اش خارج شد و مسکین، توانگر شد، دیگر سهمی ندارند.

دوم؛ آن که آنچه را برای خود و رسولش پسندیده، برای آنان پسندیده است. چرا که

هیچ کس از خدا و رسولش بی نیازتر وجود ندارد و هر سهمی برای خود و رسولش قرار داده، برای آنان هم قرار داده است. ملاک در آنان نیاز و بی نیازی نیست.

سوم؛ این که این مسأله منحصر به غنائم نیست، بلکه در فیء نیز جاری است. و همچون غنیمت از خود آغاز کرده سپس رسولش و بعد ذی القربی.

چهارم؛ درباره اطاعت هم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء، ۵۹/۴) ابتدا از خود شروع کرده، سپس رسول خدا و سپس اهل بیت آن حضرت. در آیه ولایت نیز همین گونه آمده است. آیه ۵۵، سوره مائده.

پنجم؛ خداوند تبارک و تعالی چقدر نعمت را بر آنها تمام کرده، آنگاه که سخن از صدقات آورده، خود و رسول و اهل بیت پیامبر را از آن منزّه و دور دانسته و فرموده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» (التوبة، ۶۰/۹)؛ «صدقات فقط برای نیازمندان، درماندگان و کارکنان برای آنها و نواخته دلان، و در راه آزادی بردگان و وامداران و در راه خدا و در راه ماندگان، فریضه ای واجب است». آیا در این آیه به موردی بر میخورید که خداوند از صدقه سهمی برای خود یا پیامبر یا ذی القربی قرار داده باشد؟. سپس امام رضا (ع) با استناد به آیه فوق فرمودند: «این نیست مگر بدان جهت که چون ایشان را از صدقه گرفتن منزّه می دانست، خود را منزّه دانست و پیامبر [ص] و اهل بیت [ع] را نیز منزّه دانست. بلکه بالاتر، صدقه را بر ایشان حرام کرد؛ زیرا صدقه بر پیامبر [ص] و بر خویشان او حرام است، چرا که اینها چرک دست مردم است و اینان از هر پلیدی پاک می باشند. و چون از پاکانند و برگزیده اند، آنچه را برای خود راضی شده است برای آنان راضی شده و آنچه را برای خود مکروه می داند برای آنان نیز ناپسند شمرده است».

۹. ما همان اهل ذکری هستیم که خداوند در آیات محکم کتابش فرمود: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (النحل، ۴۳/۱۶)؛ «پس اگر نمی دانید از اهل ذکر سؤال کنید». امام رضا (ع) در بیان این آیه ابتدا به محکم بودن آیه اشاره کردند که آنان شبهه نکنند و آیه را از متشابهات بدانند. اما عالمان درباری به گونه دیگر تفسیر کردند و گفتند: خداوند در این آیه منظورش یهود و نصارا هستند.

لحن کلام امام (ع) چنان گویاست و حکایت از نادانی و جسارت آنان دارد، زیرا

بلافاصله حضرت می فرماید: «آیا چنین سخنی روا و شایسته است؟ بدین ترتیب آنان ما را به دین خود فرامی خوانند و می گویند: دین ما افضل است و از دیانت اسلام برتر است». مأمون در میان آمد و گفت: یا اباالحسن آیا تفسیر و بیانی مخالف با آنچه علما می گویند، داری؟ حضرت فرمود: «آری! «ذکر» رسول خداست و ما اهل آن هستیم. و این نکته به روشنی در کتاب خدا آمده است، آنجا که می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا\* رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ» (الطلاق، ۶۵/ ۱۰-۱۱)؛ «پس ای خردمندان با ایمان از خدا پروا کنید. به راستی خداوند به سوی شما ذکر فرستاده است، پیامبری که آیات روشنگر الهی را بر شما می خواند». پس با استناد به این آیه شریفه، «ذکر» رسول الله است و ما اهل آن می باشیم. این هم دلیل نهم».

۱۰. اما دلیل و استناد دهم: «قول خداوند عزّ و جل در آیه تحریم است که فرمود: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ...» (النساء، ۴/ ۲۳)؛ «حرام است بر شما نکاح مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و...».

امام رضا (ع) برای بیان حقیقت اهل بیت چنین سؤال کرد: «به من بگوید آیا برای رسول خدا اگر زنده بود جایز بود با دختر من یا دختر پسر من و یا هر که از نسل زاده شده، برای خود همسری بگیرد؟» گفتند: نه. امام (ع) فرمود: «به من بگوید آیا می تواند دختر یکی از شما را به همسری بگیرد؟». گفتند: آری.

آنگاه فرمود: «پس این خود بیان روشنی است بر این که ما «آل» پیامبر [ص] هستیم و شما از خاندان او نیستید و الا ازدواج با دختران شما هم جایز نبود و شما از امت او هستید. این است فرق بین «آل» و «امت»؛ آل از اوست و امت آنگاه که از آل او نباشد پس از او نیست».

۱۱. اینک یازدهمین استناد قرآنی امام رضا (ع) که می فرماید: «خداوند در سوره مؤمن از زبان مردی حکایت می کند: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (غافر، ۴۰/ ۲۸)؛ «و مردی با ایمان از آل فرعون که ایمان خویش را مخفی می داشت گفت: آیا می خواهید مردی را بکشید بدان جهت که می گوید پروردگار من خداوند است؟ و برای شما دلایل روشنی از طرف پروردگارش

آورده است؟» .

حضرت علی بن موسی (ع) در بیان این آیه می فرماید: «او پسر دایی فرعون بود؛ و خداوند بدین جهت او را به فرعون نسبت داده است و به لحاظ آئینش نسبت نداده است. این گونه است که ما چون از تبار پیامبر خدا (ص) و زاده اویم، به این خصوصیت به او نسبت داده شده ایم، و به جهت دین با دیگر مردم یکی هستیم. و این است تفاوت «آل» با «امت» .»

۱۲. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲/۲۰)؛ «خاندانت را به نماز فرمان ده و بر آن صبور و شکیبا باش» .

امام (ع) می فرماید: «خداوند ما را بدین دستور و ویژگی داد با این که امر عمومی به نماز داده بود؛ و این خصوصیت ما اهل بیت است». بدین جهت بود که پیامبر خدا (ص) پس از نزول این آیه تا نه ماه هر روز هنگام هر نمازی در پنج نوبت به در خانه علی و فاطمه (ع) می آمد و می فرمود: «الصلاة یرحکم الله»؛ خدای شما را رحمت کند، نماز! و خداوند هیچ یک از اولاد انبیا را به چنین کرامتی، که اختصاص به ما داده است، ارج ننهاده. پایان کلام امام رضا (ع)، که در واقع نتیجه گیری از کلام خودشان و استنادهای ایشان به قرآن است، این گونه به پایان برده می شود: «فهذا فرق ما بین الآل و الأمة و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد نبیه؛ پس اینست تفاوت بین «آل» و «امت» حمد و سپاس مختص پروردگار عالمیان است و درود خدا بر محمد نبی الهی باد» .

پرتال جامع علوم انسانی